

مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند!

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

خجسته باد پنجاه و هفتمین سالگرد

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!

شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، رفقای عزیز!

در روز با شکوه پنجاه و هفتمین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، کمیته مرکزی حزب توده

انقلاب اکتبر که با درفش مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و تحت رهبری آموزده حزب انقلابی لنین بزرگ به پیروزی رسید، عصر نوین - عصر نوازی بیثباتی گیتی و پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم را آغاز نهاد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای پیکار ملل مستعمره و وابسته در راه رهایی از بند اسارت امپریالیزم و وسیله ارتجاع منبع سرشاری از الهام پدید آورد. کشور شوراهای همیشه برای صدها میلیون انسان در سراسر پهنه گیتی پرچمدار مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی بوده است.

کامیابیهای جهانی - تاریخی مردم شوروی که در پرتو رهبری حزب لنین بدست میآید در پیشرفت پیکار ستورگی که ملل سراسر جهان در راه دگرگونی انقلابی بنیاد زندگی، در راه آزادی و عدالت اجتماعی انجام میدهند، نقش اساسی دارد.

برنامه صلح مصوبه بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و دستاوردهای عظیم ناشی از تحقق این برنامه با عظمت، احترام و پشتیبانی تمام جامعه ترکیبخواه بشری را بسوی خود جلب کرده است. اتحاد شوروی با وفاداری خدشه ناپذیر خود به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری در سراسر دوران حیات خود همواره پشتیبان الهام بخش مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی بوده و از هیچگونه کمکی باین مبارزه دریغ نوزیده است. تمام میهن پرستان دنباله در صفحه ۲



ایران از جنب تمام اعضای حزب بشما، بتمام کمونیست های شوروی و بتمام خلق سر فراز و تهران اتحاد شوروی صمیمانه و برادرانه شادباش میگردد.

بی جنبش آزادی عمان و مردم ظفار بشتاید!

شد تعدادی هواپیمای فلاتوم ایران به پایگاه هوایی «همریت» که تلازگی ایران ساخته است منتقل گردید پایگاه دریایی «حصیب» نزدیک منطقه کوهستانی ظفار از طرف ایران تقویت شد. ارتش ایران ورود سربازان قابوس و فرماندهان آنها را از ترس ارتباط بعضی از آنها با جنبش آزادیبخش بهرراکز ارتش ایران ممنوع کرد. بمباران مردم غیر نظامی، آتش زدن مراتع و نابود کردن منابع آب در منطقه ظفار بوسیله هواپیما های انگلیسی و ایرانی بلوغ خود رسید. بمواظبات این تمهیدات کمکهای مالی و نظامی ارتجاع عرب و امپریالیستها به سلطان قابوس و رفت و آمد های آنها بمسقط بنحو بیسابقه ای فزونی گرفت.

اینک پس از یک دوران فترت حمله و هجوم دامنه داری برای تصرف تمام ظفار و اشغال مناطق مرزی عمان با جمهوری دموکراتیک یمن آغاز شده. سه نیروی مجتهد شیطنی یعنی ارتش هوایی امپریالیسم انگلستان، نیروی هوایی و زمینی حکومت تجاوز کار ایران و ارتش مزدور قابوس که اخیراً از لحاظ کمیت و کیفیت تکامل یافته، با تمام وسائل به نابودی کامل مردمی که در عین تنگدستی از حقوق ملی و میهنی خود دلیرانه دفاع میکنند، بنام سرکوبی، متمرکزین و کمونیست-بهاه و بعنوان حفظ امنیت راه دریایی، صدور نفت، پرداخته اند هدف از این مظلوم کشی تنها نابودی جنبش آزادی عمان و ساکنان فقیر و محروم ظفار نیست، بلکه اجرای جزئی از مقصد پلید امپریالیستها و زاندارم آنها شاه ایران است که واژگون کردن حکومت جمهوری دموکراتیک یمن و جمهوری عراق و سرکوبی هرگونه جنبش ملی و ضد امپریالیستی را در بر میگردد و با استراتژی کلی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در دنباله در صفحه ۲

اختیار رسیده از عمان (ظفار) حاکی است که رو های مزدور قابوس و نیرو های متجاوز ایران با بمباران های متمرکز و دامنه دار نیروی انگلیسی و ایران علیه جنبش آزادی عمان در جنوبی ظفار مجبور جمهوری دموکراتیک یمن میسابقه ای یافته و روز افزون است. چنانکه ارتش اعزامی ایران علیرغم رجز خوانیهای شاه پردازی دستگاه تبلیغاتی در حمله ایکه آنرا بزرگ و علیه «نوار سرخ» نامیدند، بهدنیهای سید و حملات وحشیانه هوایی بمردم غیر نظامی منابع آب و آتش افروزی در مزارع ظفار روحیه مبارزان ظفار را در هم شکست. متجاوزان سنگینی دادند و ارتش ایران به بهای تشدید عمومی خلفهای ایران و عرب نسبت به رژیم و تجاوز کار محمد رضا شاهی و ضایعات سنگین مالی توانست چند مرکز دور افتاده از هم که ز معرض دستبرد رزم اوران دلاور عمان است، ثبات خود بوجود آورد. شکست، حمله بزرگ، لغت ارتش شاهنشاهی ایران و دروغ بودن سلطان قابوس نوکر امپریالیسم و دستکاههای ایران را دایره به نابودی جنبش آزادی عمان و کار ظفار، فاش کرد. از آن پس برای جبران فضاحتی که تضییع حکومت مداخله گر ایران همچنین برای اجرای نقشه های پلید خود، شاه سلطان قابوس بتحکیم و تقویت مراکز نظامی در خط سرخ پرداختند و بر آن شدند که پیش از فصل باران هجوم تازه، ایرا بابکار بردن نیرو جری آغاز و کار ظفار را بقول قابوس «تا پایان بان» بنیابان رسانند. برای اجرای این نقشه، تازهای با تجهیزات زیاد از ایران بعمان فرستاده

من با گلبرخی در يك زندان بودم (نامه يك زندانی)

... پس از بازگشت از خارجه مرا بازداشت کردند، در ساواک مرا متهم کردند که به نفع يك دولت سوسیالیستی جاسوسی میکنم! ولی چون برای این ادعای خود دلیلی نداشتند، نتوانستند مرا دادگاهی کنند. بارها در جریان بازجویی مرا ترسانند و یا شلاق زدند. تنها چیزی که از من داشتند این بود که من علیه شاه شعار داده ام. من میدانم که زجرها و شکنجه های مهمتری هم در ساواک بود، ولی من گرفتار آنها نشدم. محل زندانم در «ایوانکی» بود. وقتی مرا به بازجویی میبردند چشمهایم را می بستند. در اثناء راه کسی را نمیدیدم. ایوانکی زندانی است که در داخل يك بیشه انبوه ساخته شده برای آنکه از دور متوجه نشوند که در اینجا زندان است. در همین زندان تحقیقات از زندانی انجام میگردد و اطاق شکنجه وجود دارد. در این زندان بود که من با گلبرخی آشنا شدم، در محلی که ما ظرف خوراک خود را می شستیم من او را میدیدم. در این موقع ما امکان گفتگو با هم داشتیم. گلبرخی از من اسم مرا و اتهام مرا پرسید، بعد من دلداری داد و گفت کار تو درست میشود. خودش گفت: ما را با اتهام توطئه علیه جان شاه و خانواده اش گرفته اند. گلبرخی گفت: «بین ما ماأمورین ساواک رخنه کرده بودند. متأسفانه از خیلیها باهم علاج اغترافاتی گرفته اند. گل سرخی از این افراد بسیار بیکر و عصبانی بود و به اغتراف کنندگان و تسلیم شده ها بسخنی حمله میکرد. فقط نام کرامت دانشیان را بخوبی یاد میکرد. بارها بمن گفت: «ما را حتماً اعدام میکنند، او باکی از اعدام نداشت. یکروز بمن گفت: «من و دانشیان

بارگرانی

بیش از همه بر دوش طبقه کارگر است

با وجود گرانی و حشمتناک، سطح دستمزد زحمت کش ترین طبقات مردم یعنی طبقه کارگر همچنان ناچیز مانده است. روزنامه های داخلی و مطبوعات خارجی پنهان نمیدارند که بهای مواد عمده مصرفی، منسوجات و کالاهای خانگی نسبت بسال قبل گاه حتی تا صد در صد افزایش یافته است. باید اضافه کنیم که این افزایش در مواردی و از جمله مثلا در مورد نوشت افزار و کتاب از صد درصد هم فزونتر بوده است. باوجود این، سطح دستمزد کارگران همچنان منجمد مانده و بهمین علت مبارزات و اعتصابات کارگری برای اضافه دستمزد، کاهش ساعات کار، اجراء صحیح بیمه های اجتماعی، برسمیت شناختن روز های تعطیل، پرداخت اضافه کار در برابر ساعات کار اضافی و غیره و غیره هر روز با شدت بیشتری اوج میگردد. عدم رضایت طبقه کارگر از کمی دستمزد، هزینت گران زندگی و شرایط دشوار کار بخی شدید است که علیرغم سانسور شدید مطبوعات این ناراضی اینچا و آنچا منعکس میشود. از جمله روزنامه کیهان نکاتی در باره کفتران میز گرد سندیکای کارگران نانوایی انتشار داده است. در این کنفرانس کارگران نانوایان شکایت کرده اند که: «از سال ۱۳۴۰ که دستمزد کارگران بترتیب ۶۰ ریال، ۱۰۰ ریال و ۱۸۰ ریال تعیین شد، با وجود گذشت ۱۳ سال... هنوز اقدامی در افزایش دستمزد کارگران نشده است. (کیهان - ۴ مهر ۱۳۵۳) يك کارگر ناناو که سرپرست يك خانواده حد اقل ۴ نفری است، با دستمزد روزانه ۶ تومان یعنی ماهانه ۱۸۰ تومان در آمد باید

کردستان عراق به خودمختاری دست می باید

اخیراً در شهر اربیل عراق، مرکز بخش خود کردستان عراق، شورای تقنینیه ای که دورهای طول خواهد انجامید، تشکیل شد. المصروف کرد حسن البکر از جانب ریاست جمهوری یمن شوروی تقنینیه کرد تهییت گفت. هاشم، اطرف این شهر با بعنوان نخستین رئیس کمیته بخش خود مختار کرد در جمهوری عراق در نظر شد. تشکیل این شورا در اجراء مشروع مارس و بدنبال تصمیم دولت مرکزی عراق دایر به حق خود مختاری به بخش کرد نشین عراق این حادثه ایست در خاور میانه از هر بابت توجه و اهمیت پس از جنبش ملی در آذربایجان متان ایران و تشکیل حکومتی ملی در این این نخستین بار است که يك حکومت خود ی در این منطقه از جهان پدید می آید. چنانکه مسئله ملی در کشورهای این منطقه مسئله ایست پنج وراه حلد مکرراتیک این مسئله تأمین حق خود خلقی این ناحیه است. تشکیل شورای تقنینیه اربیل و ایجاد حکومت خود مختار در بخش یمن عراق که در مطبوعات کشورهای سوسیالیستی فراوان یافته، گام مشخص مهمی است در جهت بن حق، لذا صرف نظر از تفاسی که این کار را آغاز و بر شرایط فرنج پیدایش خود میتواند شد، از جهت اهمیت و مضمون خود حادثه تمام معنی تاریخی و در خورد توجه و تأیید.

دنباله در صفحه ۲

دنباله در صفحه ۲

دنباله در صفحه ۲

دنباله در صفحه ۲

دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کوتاه!

دوره ششم

شماره ۱۲۲ - نوامبر ۱۹۷۴

دنباله از صفحه ۱

بار گرانی

کند. با چه؟ با نان کیلویی ۲۵ ریال؟ بونج کیلویی ۷۵ - ۹۰ ریال؟ و گوشت کیلویی ۲۵ تومان؟ شرم آور است! در کشوری که پلمدارانش مدعی هستند که کارگز و دهقان ایرانی دیگر استثمار میشوند برخوردار از حاصل کار خود هستند و حتی از برقراری عدالت اجتماعی، دم میزنند! یک خانواده ۴ - ۵ نفری باید با ماهی ۱۸۰ تومان درآمد زندگی کند! در حالیکه هزینه یک وعده شام یک نفر از خانواده‌های اعیان و مرفه در رستوران و هتل های لوکس تهران حتی بیش از ۱۸۰ تومان است! کارگران نانوا در میز گرد کیهان میگویند در برابر دریافت دستمزد ناچیز باید از ساعت ۳ بامداد تا نزدیک ساعت ۹ صبح و از ساعت ۱۰ الی یک و نیم بعد از ظهر و از ساعت ۴ تا ۹ شب بطور مداوم کار کنند. مجموعاً ۱۵ ساعت کار در قبال ۶ تا ۱۰ تومان دستمزد! کارگران نانوا به مخبر روزنامه گفته اند نه تعطیل روز جمعه دارند و نه در برابر کار اضافی دستمزد اضافی بانان پرداخت میشود. وضع بیمه شان رضایتبخش نیست و قانون بیمه های اجتماعی با وجود کار طاقت فرسای کارگران در کنار آتش تیور بطور کلی اجرا نمیشود. یکی از کارگران میگوید: «مسئله کافی نبودن حقوق کارگران و عائله مندی آنان باید از نظر افزایش حقوق مورد توجه قرار گیرد.»

اما تنها کارگران نانوا نیستند که از برکت «انقلاب سفید» رنج میبرند و گرسنگی میخورند. کارگران شرکت مغایرات نیز اساسی ترین خواست خود را «تورم حقوق کارگران» بنحوی که هر کارگر بتواند با توجه به گرانی روز افزون هزینه زندگی از همداد اداره زندگی خانواده‌اش خود برآید» قرار داده اند. (مردم - ارگان حزب اکثریت مردم - ۲۰ تیر ۱۳۵۳). کارگر دیگری بیکی از روزنامه های مجاز میگوید: «کارگری که در یک کارخانه با حقوق بسیار کمی مثلا ماهی ۳۶۰۰ ریال مشغول کار میشود، چگونه میتواند گوشت کیلویی ۲۰۰ تا ۲۵۰ ریال بخرد و با همان درآمد ماهانه حد اقل ۲۰۰۰ ریال بابت اجاره خانه بپردازد و حالا گوشت را مثال زدم، سایر مایحتاج

استخدام کارگرساده

شرکت ترانس پیک چندین نفر کارگرساده را با حقوق ماهیانه ۳۶۰۰ ریال (دو ماهه آزمايشی) و سایر مزایای قانونی استخدام میکند. متقاضیان باید دست داشتن کلیه مدارک استخدامی محل شرکت و تقویم کیلومتر ۲۴ جاده مخصوص کرج مراجعه نمایند.

درستوران سوئیس

مايشما توصیه میکنيم اگر میخواهيد شب فراموش نشدنی داشته باشيد.

از رستوران سوئیس در شب زانویه از میهمانان خود شما نه پذیرائی نمائید.

رستوران سوئیس مدرن ترین رستوران با انواع غذاها.

شام کامل فرانسوی خیلی عالی

۱۲۰ تومان

در این دو اعلان که در یکی از روزنامه های عصر تهران درج شده، حقوق ۳۶۰۰ تومانی کارگر را با شام ۱۲۰ تومانی در رستوران مقایسه کنید چنین است گوشه ای از واقعیت امروزی زندگی مردم

دنباله از صفحه ۱

بیاری جنبش آزادی عمان و ...

اقیانوس هند و خلیج مهابنگ است. باین ترتیب مبارزان دلیر عمان در وضع دشواری قرار دارند. آنها با شجاعت و فداکاری با نیروی اهریمنی دست بگریباندند و در نبردی نابرابر درگیر - نباید آنها را تنها گذاشت - باید باین جنبش و مردم ظفار که حتی بعلت بمبارانهای مداوم بسختی برای خود و دامهایشان آب بنست میآورند، کمک کرد. هم اکنون جنبش آزادی عمان از نیروهای ضد امپریالیستی ملی، صلح دوست و تریخخواه جهان، بخصوص از نیرو های ملی و مترقی خلیج فارس و جزیره العرب انتظار دارد که در این روز های سخت صدای اعتراض خود را علیه توطئه امپریالیسم و ارتجاع در عمان بلند و از خلق مظلوم این کشور پشتیبانی کنند.

نیرو های ملی و دموکراتیک ایران از همان آغاز لشکر کشی شاه به عمان را پشت حکومت کرده و در کنار جنبش آزادی و خلق عمان قرار گرفته اند. تظاهر خانواده های افسران اعزامی ایران به عمان در تهران، تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در چند ماه پیش علیه تجاوز به عمان که به حبس و اخراج گروهی از آنها منجر گردید و اخیراً شعار های فراوانی که بر دیوارهای شهر فرامهر مز، نوشته شده و در آنها علیه «انزمام فرزندان ما بمیدان مرگ و آدمکشی» و جنگ با کسانیکه برادر ما هستند شدیداً اعتراض گردیده نمونه هایی از همدردی مردم ایران با خلق ظفار است.

حزب توده ایران تا آنجا که توانسته است به افشای سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه شاه بوسیله رادیو و نشریات خود پرداخته و در چند امکانات خویش از پشتیبانی مبارزه حق طلبانه جنبش آزادی عمان درهای فروگذار نخواهد کرد. وظیفه تمام نیرو های صاح و استانیهای شرافتمند است که هر چه در قدرت دارند و بهر شکلی که میتوانند در هر چه رود تر به رزمجویان عمان و مردم بی پناه ظفار یاری رسانند تا هجوم وحشیانه جدید امپریالیسم و ارتجاع با ناکامی روبرو شود.

زندگی نیز بهمین نسبت قیمت شان بالا رفته است. (خاک و خون - ۵ خرداد ۱۳۵۳). نمونه دیگر کار

گران سدشامعلس کبیر هستند. ۳۰ نفر از اهالی قریه آبی چی فریدن در نامه شکواییه خود می نویسند: «در اثر احداث سد شاه عباس کبیر دهکده ما در اعناق خریچه سد فرو رفته و کلیه املاک مزروعی و اشیاء و منازل مسکونی ازین رفته رفته است که البته سیاح ناچیزی بابت این امر بعنوان فرامت پرداخت شد که برای ساختن

یک اطاق هم کافی نیست ... در حال حاضر روزنامه ما را با ۹۰ ریال فرسد استخدام کرده اند. (روزنامه خاک و خون، ۲ اردیبهشت ۱۳۵۳). کارگر سد دز برای هر روز کار ۹ تومان دستمزد میگیرد که با کسر دستمزد روزهای جمعه و تعطیلات متفرقه درآمد ماهانه اش در حدود ۲۳۰ تومان میشود. ۲۳۰ تومان درآمد ماهانه یک کارگر سد دز ۱۸۰۰ تومان درآمد یک کارگر نولائی و نیچی از این دستمزد ناچیز درآمد ماهانه زنان و کودکان کارگر! آنوقت رژیم شاه پروا ندارد که درآمد سرانه مردم را ۸۰۰ دلار اعلام کند و ایران را در آستانه «دمن بزرگ» معرفی نماید!

چنین است سیمای رقت انگیز زندگی کارگران ایران که با نیروی بازوی خود ثروت ملی می آفرینند و این ثروت هنگفت بجای آنکه صرف نیکیهای آنها وسایر طبقات زحمتکش شود، بدست یک رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک بهر میرود. یا بصرف تحصیل زندگی یک اقلیت مفتخور میسرود و یا به کشورهای امپریالیستی سرازیر میگردد. از این ثروت هنگفت تقسیم زحمتکشان تنها در آنجودی است که بمانند تا ثروتهای تازه بیافرینند.

طبقه کارگر ایران با سینههای درخشان مبارزه حلیه ستم و استثمار، بخوبی میدانند که فقط با نیروی تشکل و مبارزه خود میتواند در دشمن طبقاتی نیروز شود و به حقوق حقه خویش دست یابد. از این موضع منطقی است که مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار و زندگی و ایجاد دگرگونیهای بنیادی، علیرغم ترور و اختناق ادامه یافته و ادامه خواهد یافت.

رادیو پیک ایران
و ۳۱ متر برزانه پخش میکند.

دنباله از صفحه ۱

کرستان عراق به خودمختاری دست مییابد

در این زمینه آنست که گویا در کشور ما ایران مسئله ای بنام مسئله کرد وجود خارجی ندارد و این مسئله خاص جمهوری عراق است و اگر چه خود مختاری بطور کلی برای کردهای عراق لازم است ولی باید با آن خود مختاری واقعی و مشخصی که اکنون در دسترس کردهای عراق قرار میگیرد با تمام قوا مخالفت کرد و آنرا بهر نحوی که شده بر هم زد. باتکاء این سیاست سالوسانه و متناقض رژیم به هدفهای مختلف خود خدمت می کند: از طرفی مبارزه ملی کردها را در ایران در خون غرق میسازد و از طرف دیگر بعنوان حامی ایرانیان آسوی مرز، خود را دلسوز کرد های عراق جلوه میدهد و به تحریک آنها علیه دولت بغداد می پردازد و در عین حال در پیشرفت روند تفاهم بین خلقهای کرد و عرب از هر بازه خرابکاری میکند.

ما نه فقط این سیاست سرا با سالوسانه و متناقض رژیم را رد میکنیم، نه فقط خواستار پشتیبانی از تفاهم و دوستی عربها و کردها در کشور همسایه باختری ایران هستیم، بلکه خواستاریم که حق خود مختاری بشکل مشخص و واقعی برای همه خلقهای ساکن ایران: آذربایجانیها، کردها، بلوچها، ترکمن ها، عربها شناخته شود. این مطلبی است که در برنامه و اسناد برنامه حزب ما با صراحت تمام ذکر شده است.

رژیم ماوراء الرطبی ایران که دشمن شماره یک خلقهای ایران است، باتکاء این سفسطه و عوامفریبی متبدل که گویا تأمین حقوق خلقها بمعنی تجزیه ایران و انصراف از استقلال و تمامیت است، ستم ملی را با شکل مختلف آن در مورد خلقهای ایران روا میدارد و تجویز و توجیه میکند. ولی ایرانی که در آن همه خلقها، میهنی، شایسته و دلسوز و مهربان و عادل داشته باشند، ایرانی خواهد بود توری سرینند، مستقل و استوار که هیچ چیزی نمیتواند موجودیت آنها را به خطر افکند. ولی ایرانی که یزیدان خلق بدل شده است، هر قدر هم بر زراد خانه جنگ افزاریهای ماوراء زمین خود بیافزاید، سر انجام تنها غولی است برپایه کلان و فاقد قوام درونی. ما با همان قوت و شدت که خواستار پایان دادن به ستم طبقاتی هستیم، خواستار پایان دادن به ستم ملی نیز هستیم. هیچ ایرانی نباید بخاطر وضع طبقاتی و یا تعلق ملی و فرهنگی خویش تحقیر و به حرمانهای مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی محکوم گردد. تنها آن میهن سرزینست مستقل و آزاد است که در آن افراد آزاد و وارسته و خوشبخت زندگی کنند.

سیاست سالوسانه رژیم ایران در مورد کرد های عراق، مانند نظیر این سیاست در مورد اسرائیل در خدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار دارد علیه صلح و امنیت منطقه است. مردم ایران وهمه خلقهای سرزمین ما این سیاست شومرا محکوم و با آن مبارزه میکنند.

همه روزه از ساعت ۶ تا ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۶، ۲۵ و ۳۱ متر برزانه پخش میکند.

دنباله از صفحه ۱

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایر

راستین و عناصر ترغیبخواه ایران ایمان عمیق دار اتحاد شوروی وفادار ترین و مطمئن ترین دوست در مبارزه علیه امپریالیسم و دستگاه استثمار است. بهبود مناسبات و توسعه هر چه بیشتر روابط اقتصاد فرهنگی و روابط دیگر میان ایران و اتحاد شور. عامل نیرومندی برای تحقق منافع حیاتی مردم ایران است. رفقای عزیز، ما برای شما، برای حزب کمونیست اتحاد شوروی و برای تمام مردم کامیابی های هر چه بیشتری را در عرصه ساختن کمونیسم، در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت آج در سراسر جهان، آرزو مندیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول - ایرج اسکندری

دنباله از صفحه ۱

من با گلسرخی در زندان بودم

تقاضای نفو نکرده ایم، وضع روحی گلسرخی عالی بود و دائماً مرا به مقاومت تشویق میکرد و می گفت تو روزبه و سالاحیان را بنیاد بنیاد، مرد باید باشد، خیلی علاقه داشت بدانند مردم در باره گلسرخی چه قضاوت میکنند. از من هم همین سئو کرد. گلسرخی بمن گفت: «در تلویزیون جز ما را پخش کرده اند. ولی خیلی از حرفها، نگفته اند. مثلا من از روزبه و سالاحیان یاد کردم که آنرا نگفته اند. گویا فقط یکبار باخ اش ملاقات کرد. در بین سلولهای که بهم تعلق بود نوعی تماسی برقرار بود. بکروز بمن گفت: «برای ما آواز بخوان!، زیرا من صدایم بد و بفرسی و انگلیسی آواز میخوانم. اگر ایستاد سلول آواز میخواندم» صدایم بجای نمی رسید. مر زمین دراز میکشیدم و دهنم را به درز پلین در تو میکردم و آنوقت آواز میخواندم. در این حالت پخش میشد.

موقع بازجویی توی بحر ما مورین سلواک می جوانهای بودند اکثر ۲۵ - ۳۰ ساله با قیافه بد جنس و جنایتکار. این کارمندان سلواک بهم قرض میدادند و همدیگر را مهندس، دکتر، مهندس صدا میکردند. لابد هیچکدام تحصی درستی هم نداشتند. اینها در امریکا آموزشگاه مخفی را طی کرده اند. لباسهایشان از کلاه تا امریکائی، ژستهایشان امریکائی. اینها هل و امریکاست که برای مردم ایران تحفه فرستاده اند ملاقات با گلسرخی در زندان بزرگترین عزیزترین خاطره من است. من آن قیافه دوست داشتم آن اخلاق مردانه، آن کلمات دلنشین را هرگز فراموش نمیکنم. من آنوقت نتوانستم باو بگویم که درباره او چه قضاوتی میکنند ولی حالا میتوانم بگویم گلسرخی! مردم تو را وارد صف قهرمانان تا خود کرده اند.

شعری سیده از ایران

فدائی خلق

این شعر را یک رفیق کارگر پس از شهادت خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان سرود برای ما فرستاده است.

از ماتم شهیدان، کاینک بخون نشینند گلهای سرخ پرپر رنگی ز خون گرفته از جنبش دلیران روزی اثر بینیم هر چند دیو خوفخوار راه جنون گرفته.

باشد شعار یاران، جانها فدای مردم! ز بیروست کاین دلاور در خاک و خون فدایک فدائی خلق جان را نهاده در کف در آستان مردم در خدمت ایستاده.